

حریم خصوصی افراد مشهور و فرزندانشان

اکبر ذاکریان^{۱*}، حسین جاویر^{۲**}، سید فرهاد بطحایی^{۳***}

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، اراک، ایران

۲. استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، اراک، ایران

تاریخ دریافت: ۹۹/۵/۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۲۱

چکیده

اسرار خصوصی سلبریتی‌ها، مشتمل بر افرادی که مورد توجه افکار عمومی جامعه بوده و نگاه‌ها به سوی آن‌هاست، مانند افراد مشهور سیاسی و افراد مشهور غیرسیاسی نظیر هنرمندان، بازیگران، ورزشکاران و مدل‌ها، به شدت مورد علاقه بسیاری از افراد است. در اینکه آیا افراد مشهور نیز به مانند افراد عادی جامعه حریم خصوصی دارند یا قلمرو حریم خصوصی افراد مشهور نسبت به سایر افراد جامعه، محدودتر است، اختلاف نظری مبنی بر محدود بودن قلمرو حریم خصوصی افراد مشهور و برابری حریم خصوصی افراد مشهور با دیگران وجود دارد. براساس نظریه اول، برای فقدان حریم خصوصی افراد مشهور یا دست‌کم محدود بودن قلمرو آن، دلایلی از جمله فقدان انتظار متعارف، قاعده اقدام، الگو بودن افراد مشهور، مصلحت عمومی، حق مردم بر دانستن و نقد دورویی بیان شده است و طبق نظریه دوم، اصل آن است که افراد جامعه در یک سطح از حریم خصوصی قرار دارند و صرف اینکه افرادی دارای شهرت یا برای دیگران الگو باشند، ناقض حریم خصوصی آن‌ها نیست. براساس این دیدگاه، اگر مشاهیر در موقعیتی قرار داشته باشند که انتظار معقول و متعارف حریم خصوصی خود را داشته باشند، مشابه سایرین، باید حریم خصوصی آنان نیز محترم شمرده شود. انتظار معقول از حریم خصوصی در مؤلفه‌هایی از جمله مکان مورد نظارت، موضوع نظارت، شیوه استفاده از اطلاعات شخصی، وسایل نظارت، رضایت شخص موضوع حریم خصوصی و طبیعت رابطه میان طرفین، قابل شناسایی است.

واژگان کلیدی: افراد مشهور، انتظار معقول و متعارف، حریم خصوصی، سلبریتی، مصلحت عمومی

* Email: Zakerian.law@gmail.com

نویسنده مسئول

** Email: Hjavar@ut.ac.ir

*** Email: F_bathaie@yahoo.com

Privacy of Famous People and Their Children

Akbar Zakerian ^{1*} & Hossein Javer ^{2**} & Sayyed Farhad Bathaei ^{3***}

1-PH. D Student of Private Law, Islamic Azad University of Arak.

2-Assistant Professor, Farabi Campus, Tehran University.

3- Assistant Professor, Islamic Azad University of Arak.

Abstract

The private secrets of famous people, those under the focus of public opinion of the society, like political and non-political celebrities such as artists, actors, athletes and models, are strongly favored by many people. Whether celebrities have the same privacy as ordinary people or whether the realm of their privacy is more limited than the rest of society, there are disagreements regarding the restriction of the privacy of celebrities and equality of that with others. According to the first theory, for lack of privacy of celebrities or at least limitation of its territory, some reasons are alleged such as lack of normal expectation, Iqdam Rule, Paterernity of famous individuals, public benefits, right to know and critique of hypocrisy. Based on the second theory, the principle is that people in society are at a level of privacy and that just because people are famous or role models for others does not violate their privacy. According to this view, if celebrities are in a position to reasonably expect their privacy, like others, their privacy should be respected. Reasonable expectations of privacy can be identified in components such as the place being monitored, the subject of the surveillance, the manner in which personal information is used, the means of surveillance, the satisfaction of the person subject to the privacy and the nature of the relationship.

Keywords:

Famous People, Normal and Rational Expectation, Privacy, Celebrity, Public Interest.

* Email: Zakerian.law@gmail.com

** Email: Hjavar@ut.ac.ir

*** Email: F_bathaie@yahoo.com

Corresponding Author

مقدمه

در دنیای مدرن، سلبریتی‌ها به‌عنوان الگوی قشر عظیمی از جوانان مطرح می‌شوند و نظرهای آن‌ها حتی در حوزه‌های غیرتخصصی مورد توجه قرار گرفته و موضوع بسیاری از محافل را به خود اختصاص داده است. توسعه و گسترش شبکه‌های مجازی چون اینستاگرام و تلگرام پای افراد مشهور را نیز به دنیای مجازی باز کرده و زندگی آن‌ها را که پیش از آن، تنها از طریق مجلات و مصاحبه با روزنامه‌ها شناخته می‌شد، عمومی‌تر کرده است. عکس‌های حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای از مناسبات کاملاً خصوصی همچون نشستن پای سفره عقد، به دنیا آمدن فرزند و شرکت در مراسم و مهمانی‌های خانوادگی، نمونه‌ای از این موارد است. سلبریتی‌ها، افراد مشهور سیاسی و غیرسیاسی مانند هنرمندان، ورزشکاران، خوانندگان و نظایر آن را شامل می‌شود. از یک سو، عموم جامعه تمایل شدیدی به کسب اطلاعات از زندگی شخصی افراد مشهور و الگوهای خود دارند که این تمایل در اصطلاح «حق بر اطلاع» خوانده می‌شود، اما از سوی دیگر، افراد مشهور نیز همانند سایر مردم، اصولاً، از حق کلی تنها بودن، محرمانه ماندن اطلاعات شخصی و گمنام بودن برخوردارند؛ حقوقی که در مجموع و در اصطلاح با «حق بر حریم خصوصی» شناخته می‌شود. این دو حق در دو سوی مختلف و متعارض قرار دارند و در غالب موارد امکان عمل به هر دو حق میسر نمی‌شود.

پرسشی که مطرح می‌شود، این است که در تضاد میان حریم خصوصی این افراد و تمایل مردم به دانستن در مورد زندگی آن‌ها کدام مقدم است؟ آیا سلبریتی‌ها نیز مانند دیگر افراد جامعه و به همان اندازه حریم خصوصی دارند یا دایره حریم خصوصی افراد مشهور نسبت به دیگران به مراتب محدودتر است و مردم حق دارند از جزییات زندگی افراد مشهور آگاه شوند؟ به عبارت دیگر، آیا حریم خصوصی بسیط است و برای همه افراد یک تعریف دارد یا به نسبت جایگاه و شأن اجتماعی افراد، موضوع حریم خصوصی متغیر است؟ آیا مردم واقعاً به این اطلاعات نیاز دارند؟ آیا نقض حریم خصوصی افراد مشهور تاوانی است که باید برای شهرت بردازند؟ در کشاکش این دو گرایش، باید مشخص شود که حق با افراد مشهور و برخورداری آن‌ها از حریم خصوصی است یا حق با مردم است که حق آگاهی از زندگی الگوهای خود را دارند، یا حق با رسانه و روزنامه‌نگاران است که حق آزادی بیان دارند؟

۱. تعارض آزادی بیان و حریم خصوصی و تأسیس اصل

یکی از بحث‌انگیزترین مسائل دهه‌های اخیر، بحث تعارض حریم خصوصی و آزادی بیان است. به این بیان که در تعارض بین حریم خصوصی افراد و آزادی بیان کدام یک مقدم است و

باید کدام یک بر دیگری ترجیح داده شود؟ بی شک یکی از مهم ترین و بنیادی ترین حقوق شهروندان حق استفاده از حریم خصوصی است. به این حق هم در اسناد مختلف بین المللی و هم در سطح داخلی، اشاره یا تصریح شده، مورد پذیرش قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده است. به موجب این حق دیگران حق استفاده از اطلاعات شخصی سایرین را ندارند. در حقوق ایران به طور ناقص در قانون تجارت الکترونیکی به موضوع حمایت از داده های شخصی اشاره شده است. همچنین اصل ۲۲ قانون اساسی که بیان می دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند»، قابلیت استناد در موضوع حمایت از حریم خصوصی اطلاعاتی را دارد.

در مقابل، حقی دیگر تحت عنوان آزادی بیان وجود دارد که به رسانه ها اجازه می دهد اخبار و اطلاعات را برای عموم جامعه منتشر کنند. گاهی این اطلاعات، در حوزه اطلاعات شخصی افراد دیگر قرار می گیرد که عدم افشای آن ممکن است به خودسانسوری رسانه ها منجر شود. اصل ۲۴ قانون اساسی که مقرر می دارد: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزاد هستند، مگر اینکه محل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند، تفصیل آن را قانون مشخص می کند»، نشان از به رسمیت شناختن حق آزادی بیان در نظام حقوقی ایران دارد. به طور طبیعی حق بر آزادی بیان، حق بر اطلاع را نیز در درون خود دارد و حق بر اطلاع نیز در همین زمینه قابل ارزیابی و پذیرش است.

به طور طبیعی، در برخی موارد، حریم خصوصی و آزادی در تنافی با یکدیگر قرار می گیرند. برای مثال اگر فقط از داده های خصوصی افراد حمایت شود و به رسانه ها اجازه تحصیل و نشر آن داده نشود، رسانه ها نمی توانند اطلاعات مربوط به فساد اخلاقی یا مالی مدیران و رجال سیاسی یا حتی کسانی را که به هر نحوی در مدیریت کشور دخالت دارند، افشا کنند و به این ترتیب، افراد نالایق با فسادهای مالی و اخلاقی مدیریت کشور را بر عهده می گیرند و کسی حق افشای آن را نخواهد داشت. از یک سو، هم حق بر حریم خصوصی و هم حق بر اطلاع و آزادی بیان در زمره حقوق بنیادین شمرده شده است و از سوی دیگر، در قلمرو تنافی این دو حق و ترجیح یکی از دو حق، چه در مرحله تقنینی و وضع قانون و چه در مرحله اجرایی و عمل به هر کدام از دو حق، ضابطه قانونی روشنی برای حل مسئله، به تصریح بیان نشده است. به طور مرسوم، قبل از جست و جو در قواعد ناظر بر حل این تنافی، باید تأسیس اصل نمود تا در مقام رفع تنافی بتوان بهتر عمل کرد. به نظر می رسد در حال حاضر با توجه به قدرت رسانه ها و لزوم دفاع از شهروندان عادی در مقابل ابررسانه ها و همچنین مقدم دانستن آزادی بیان بر حریم خصوصی شهروندان راه تجاوز به حریم خصوصی شهروندان را باز و بی دفاع

می‌گذارند، در مقام تبیین اصل باید قائل به لزوم رعایت حریم خصوصی اطلاعاتی از سوی رسانه‌ها شد و مجاز بودن رسانه‌ها در تحصیل، پردازش و انتشار داده به‌عنوان استثنا بر آن حمل می‌شود. بنابراین در هر مورد که قانون مسکوت بوده یا حکم قانون‌گذار مردد باشد، می‌توان با اعمال اصل، حکم قضیه را یافت. در این صورت بار اثبات مجاز بودن عمل تحصیل داده یا پردازش آن بر عهده طرف قوی دعوا که به‌طور تخصصی به این کار اشتغال دارد گذاشته می‌شود (اصلائی، ۱۳۸۴: ۲۶۵ به بعد). از آن‌جا که یک طرف تنافی دو حق، افراد مشهور قرار دارند، لازم است معیارهای شهرت بررسی شود تا معلوم شود چگونه شخصی در زمره افراد مشهور قرار می‌گیرد و این معیارها و منشأهای شهرت، احیاناً چه نقشی در قلمرو حقوق افراد مشهور ایفا می‌کند.

۲. معیارهای شهرت

تعاریف مختلفی از افراد مشهور ارائه شده است. به نظر برخی، فرد مشهور کسی است که رهبری مستقیم یا غیرمستقیم بخشی از زندگی مردم را بر عهده دارد، در اذهان عمومی از قدرت نسبی برخوردار است، در عرصه رسانه نمایان بوده و احتمالاً تجسم رؤیایها و آرزوهای تحقق نیافته مردم است (Leslie, 2001: 17). به نظر برخی دیگر، فرد مشهور کسی است که مورد توجه افکار عمومی است، به‌نحوی که مردم دوست دارند از کوچک‌ترین رفتار آنان آگاه باشند (Helling, Op. cit: 26). برخی دیگر به‌جای تعریف افراد مشهور به طبقه‌بندی آن‌ها به‌صورت مصداقی اکتفا کرده‌اند. این گروه افراد مشهور را در سه طبقه جا داده‌اند: **دسته اول** مشهور بودن را از طریق اصالت خانوادگی و نسب خویش به‌دست آورده‌اند، مانند خانواده‌های سلطنتی، اشراف و خاندان‌های سیاسی؛ **دسته دوم**، شهرتشان را از طریق رقابت و قابلیت‌های فردی کسب می‌کنند، مانند اندیشمندان، روشنفکران، ستاره‌های سینما، فعالان حوزه ورزش؛ **دسته سوم**، شامل کسانی می‌شود که از طریق نمایش و مطرح کردن بیش از اندازه خود در رسانه‌ها مشهور می‌شوند و به اصطلاح حاشیه‌سازی می‌کنند. این گروه هرچند قابلیت توانایی و استعداد دیگران را در عرصه‌های مختلف ندارند، اما با انجام اعمال خارج از عرف و حرکات نمایشی و گاه، هنجارشکنی، دیگران را مجاب می‌کنند که دیده شوند و با تکرار این اعمال سرانجام مشهور می‌شوند، مانند بازیگران سینما و ورزشکارانی که چندان در عملکرد حرفه‌ای خویش موفق نیستند، اما با حرکات غیرعرفی و بعضاً مخالف با هنجارها، خود را به سطح اول رسانه‌ها می‌کشاند و از این طریق، شهرتی به‌دست می‌آورند (Callender Smith, 2014: 18). برخی دیگر، افراد مشهور را به پنج گروه تقسیم کرده‌اند. این گروه شهرت را ناشی از **انتخاب**

یا انتصاب، شهرت ناشی از موفقیت یا رسوایی، شهرت ناشی از شانس، شهرت ناشی از خویشاوندی و موقعیت خانوادگی می‌دانند (7: chadwick, 2005)

به‌طور کلی می‌توان گفت که فرد مشهور کسی است که مورد توجه افکار عمومی جامعه بوده و نگاه افراد جامعه به‌سوی اوست که می‌تواند عملکرد او مثبت یا منفی باشد، به‌طوری‌که افراد با شنیدن نام او عکس‌العمل نشان خواهند داد. حال با شناخت اجمالی از مفهوم و اقسام شهرت، لازم است حریم خصوصی افراد مشهور بررسی شود.

۳. حریم خصوصی افراد مشهور

پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا افراد مشهور نیز به مانند افراد عادی جامعه حریم خصوصی دارند و حریم خصوصی این دسته از افراد همسان و مساوی با سایر افراد جامعه است یا اینکه قلمرو حریم خصوصی افراد مشهور نسبت به سایر افراد جامعه، محدودتر است؟ در این زمینه اتفاق نظر وجود ندارد، به نظر برخی، افراد مشهور به‌مراتب از حریم خصوصی کمتری نسبت به سایر شهروندان برخوردارند؛ در مقابل، گروهی دیگر به برابری حریم خصوصی افراد مشهور و سایر افراد جامعه اعتقاد دارند. در ادامه ادله این دو نظر بررسی خواهد شد.

۳-۱. نظریه محدود بودن قلمرو حریم خصوصی افراد مشهور

براساس این دیدگاه، انتظار برخورداری از حریم خصوصی برای اشخاصی که در انظار مردم قرار می‌گیرند، به‌ویژه هنگامی که با خواست خویش، خود را در منظر عمومی قرار می‌دهند، مانند سیاستمدارانی که خود را آماده انتخابات می‌کنند یا خوانندگان کنسرت‌ها و دیگر اشخاص مشهور، با سایر شهروندان یکسان نیست. اما در اینکه آیا شهرت، برخی از جنبه‌های حریم خصوصی را از بین می‌برد یا تمام جنبه‌های خصوصی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، دو نظر وجود دارد؛ طبق دکترین اول که به دکترین آمریکایی معروف است، همین که شخصی واجد یک شخصیت عمومی شود و مشهور شود، کافی است تا تمام جنبه‌های زندگی وی، برای رؤیت و نظارت عموم مردم مجاز گردد. از این رو هیچ حد منطقی بر آشکارسازی اسرار زندگی شخصیت‌های مشهور وجود ندارد (Helling, op. cit: 26). طبق دکترین دوم که به دکترین آلمانی موصوف است، برخی جنبه‌های زندگی شخصی افراد مشهور همواره مصون از نظارت و بازرسی دیگران است، حتی اگر موضوع مورد بحث مستقیماً به وظایف یا صلاحیت‌های یک شخص مشهور مربوط باشد (انصاری، ۱۳۹۲: ۳۱).

برای فقدان حریم خصوصی افراد مشهور یا دست‌کم محدود بودن قلمرو آن، دلایلی از جمله

فقدان انتظار متعارف، قاعده اقدام، الگو بودن افراد مشهور، مصلحت عمومی، حق مردم بر دانستن و نقد دورویی بیان شده است. در ادامه این دلایل، به طور مختصر، ارزیابی می‌شود.

۳-۱-۱. فقدان انتظار متعارف

شهروندان عادی به طور مسلم، حق برخورداری کامل از حریم خصوصی را دارند و دیگران باید آن را به طور کامل محترم بشمارند، زیرا افرادی که به دور از حاشیه و به طور عادی زندگی می‌کنند، به طور منطقی می‌توانند انتظار داشته باشند که دیگران نیز با آن‌ها کاری نداشته و زندگی عادی خود را داشته باشند. اما چنانچه شهروندی تمایل به شهرت داشته باشد و با انجام اقداماتی درصدد کسب شهرت و جلب توجه عموم برآید و به چهره مشهوری در جامعه تبدیل شود، ممکن است حریم خصوصی خود را تا حدودی از دست بدهد. در این موارد شخص مشهور نباید انتظاری را که دیگران در ارتباط با حفظ حریم خصوصی‌شان دارند، داشته باشد. برای نمونه در حقوق یونان، اعتقاد بر آن است شخصی که انتخاب کرده تا در یک واقعه عمومی مشارکت کند یا خویش را به عموم عرضه کند، درجه‌ای از نقض حریم خصوصی‌اش را پذیرفته است، بنابراین نمی‌تواند انتظار عرفی برای رعایت حریم خصوصی‌اش داشته باشد (karakostas, 2000: 58). این معیار براساس دیدگاه‌هایی که به مقوله حریم خصوصی و حیثیت معنوی مرتبط با آن، نگاهی عرفی دارند، کارگشاست، به‌ویژه اینکه در این دیدگاه‌ها، اساساً حریم خصوصی بر پایه معیار متعارف اشخاص شکل می‌گیرد و بر همان معیار دچار قبض و بسط می‌شود.

۳-۱-۲. قاعده اقدام

یکی از ضوابط محدود شدن حق یا زوال آن، اقدام صاحب حق است. سقوط تمام حق یا بخشی از آن، به موجب اقدامی است که نتیجه قهری آن محدود شدن حق یا زوال آن است. براساس این مبنا، چهره‌های مشهور با برگزیدن و ظاهر شدن در دید عموم و مورد توجه قرار گرفتن، از حریم خصوصی خود اعراض می‌کنند یا دست‌کم، اقدام به شهرت، با صرف‌نظر کردن از بخشی از حریم خصوصی ملازمه دارد. بر این اساس شخص هنگام به‌دست آوردن شهرت اجتماعی به طور غیرمستقیم، به از بین بردن حریم خصوصی خود اقدام می‌کند. برخی اقدام افراد مشهور در به خطر انداختن حریم خصوصی خود برای کسب شهرت را نوعی دادوستد رسانه‌ای نامیده‌اند (Whittle, 2009: 15). با این بیان که زمانی که افراد مشهور بخشی از حریم خصوصی خود را برای کسب شهرت، واگذار کرده و در قبال آن کسب شهرت می‌کنند، دیگر نباید توقع سکوت رسانه‌ها در مورد سایر بخش‌ها را داشته باشند، زیرا رسانه‌ها عامل

اصلی شهرت به وجود آمده هستند، بنابراین حق دارند در مورد سایر موضوعات نیز وارد شوند. طبق این نظریه می‌توان به اسقاط حق حریم خصوصی قائل شد، یعنی فرد مشهور با اسقاط کردن حریم خصوصی خویش تمایل به کسب شهرت دارد و در ازای کسب شهرت حق حریم خصوصی خویش را اسقاط می‌کند. البته اشکال وارد به این نظریه آن است که همه اقسام شهرت از این حیث در یک رتبه قرار ندارند و گاهی این‌گونه نیست که فرد بخواهد مشهور شود، بلکه کسب شهرت کاملاً ناخواسته و اتفاقی صورت می‌گیرد و فردی مشهور می‌شود، در این صورت نمی‌توان گفت که فرد در قبال شهرتش باید قسمتی از حریم خصوصی‌اش را از دست بدهد. در این زمینه یکی از آرای دادگاه تجدیدنظر فرانسه بیان داشته است: «این واقعیت که شخص برای عموم شناخته شده و مشهور باشد به این معنا نیست که از حق خویش نسبت به تصویرش اعراض کرده باشد» (به نقل از میرشکاری، ۱۳۹۷: ۱۶۰).

۳-۱-۳. مصلحت عمومی (شفافیت)

براساس مصالح عمومی و به منظور شفاف‌سازی، رسانه‌ها مجاز خواهند بود که اطلاعات افراد مشهور را هرچند این اطلاعات در راستای حریم خصوصی آن‌ها باشد، به سمع و نظر افراد جامعه برسانند، زیرا مصالح عمومی جامعه اقتضای آن را دارد.

در این زمینه اعلامیه شورای مطبوعات انگلستان (۱۹۷۶) اعلام کرده است که: «انتشار اطلاعات در مورد زندگی خصوصی یا علایق شخصی افراد بدون رضایت آن‌ها در صورتی قابل قبول است که یک نفع عمومی مشروع که حاکم بر حق حریم خصوصی باشد، وجود داشته باشد» (مقامی و عطاران، ۱۳۹۸: ۳۱۸). اصل ۳ شورای مطبوعات استرالیا نیز اظهار می‌کند که «مخاطبان مطبوعات حق دارند از اخبار و نظرات، به‌طور منصفانه با احترام به حریم خصوصی و احساسات افراد، مطلع شوند. با وجود این، حق حریم خصوصی نباید از انتشار مسائلی که سابقه عمومی دارند یا به‌طور آشکار در خصوص منافع عمومی است جلوگیری کند» (مقامی و عطاران، ۱۳۹۸: ۳۱۸).

قانون اخلاق حرفه‌ای شورای مطبوعات آلمان در اصل ۸ بیان می‌دارد: «مطبوعات باید حریم خصوصی و حریم خلوت و تنهایی افراد را رعایت کنند»، اما یادآور می‌شود «اگر رفتار خصوصی یک شخص منافع عمومی را تحت تأثیر قرار دهد می‌توان آن را در مطبوعات منعکس کرد...» (معین آبادی، ۱۳۸۳: ۲۷۰).

قواعد رفتاری سوئد در زمینه مطبوعات، رادیو و تلویزیون از آنان می‌خواهد: «به‌دقت نسبت به نتایج و عواقب زیانباری که در صورت انتشار نام اشخاص ممکن است برای آنان به‌بار آید فکر کنند، از انتشار نام‌ها خودداری کنند، مگر آنکه نفع عمومی آشکاری وجود داشته باشد» (انصاری، ۱۳۸۳: ۲۱۲).

هرچند اصطلاح منافع عمومی اصطلاحی است که تعریف نشده، لکن شخصی که در پی انتشار اطلاعات خصوصی دیگران با توجه به مصلحت عمومی است، باید اثبات کند که انتشار این اطلاعات تأثیری مثبت بر عموم جامعه خواهد داشت. به عبارت دیگر از آنجا که افشای اطلاعات دیگران خلاف اصل است، بنابراین کسی که مدعی است انتشار اطلاعات افراد مشهور به صلاح جامعه بوده و منافع جامعه در آن است، باید این مطلب را اثبات کند.

۳-۱-۴. الگو بودن افراد مشهور

بیشتر هنرمندان، ورزشکاران، خوانندگان و حتی سیاستمداران، الگوهای افراد جامعه، به خصوص جوانان هستند. هرچه شهرت و محبوبیت آنان بیشتر باشد، الگوپذیری دیگران از آنان بیشتر خواهد بود. افراد جامعه از رفتار، سخنان و اعمال آنان تبعیت می‌کنند تا جایی که شخصی‌ترین مسائل، از جمله وضع ظاهری خود را براساس آرایش و نوع پوشش الگوهای خود تنظیم می‌کنند. اما آیا صرف الگو بودن چهره مشهور، به منزله مجوزی برای نقض حریم خصوصی این‌گونه افراد است؟

برخی با این استدلال که افراد مشهور به دلیل محبوبیتی که در قبال شهرتشان کسب کرده‌اند و جامعه آن‌ها را به عنوان الگو و نماد، مورد پذیرش قرار داده، حق ندارند ناهنجاری‌هایی از خود بروز دهند، حتی اگر این ناهنجاری‌ها مربوط به روابط خصوصی‌شان باشد، در این صورت، مردم حق آگاهی از این‌گونه مسائل را دارند، چراکه افکار عمومی و به‌ویژه طرفداران آن‌ها، اطلاع از این‌گونه موارد را حق خود می‌دانند و افشای این‌گونه اطلاعات نقض حریم خصوصی محسوب نخواهد شد. در این خصوص یکی از آرای صادره از دادگاه‌های انگلستان در مورد بازیکن فوتبال لیگ برتر، آگاهی عموم مردم نسبت به دانستن از جزئیات زندگی خصوصی این بازیکن را که الگوی بسیاری از جوانان و نوجوانان است، حق مردم دانسته است (جعفری و نادری فارسانی، ۱۳۹۶: ۳۵).

اما برخی دیگر به این صراحت، حریم خصوصی افراد مشهور را به دلیل الگو بودن، قابل نقض نمی‌دانند و قائل به تفکیک‌اند. این گروه بیان می‌دارند اعمال و رفتار انسان‌های دارای حسن شهرت، چنانچه واجد ارزش خبری باشد، ممکن است به عنوان الگو مورد توجه دیگران قرار گیرد و به نوعی اشاعه حسنات محسوب می‌شود، بنابراین انتشار آن‌ها نقض حریم خصوصی محسوب نمی‌شود، ولی اطلاع‌رسانی در مورد امور منکر صرف‌نظر از اینکه چه کسی مرتکب آن شده است، می‌تواند از مصادیق اشاعه منکر و فحشا به‌شمار آید و انتشار آن‌ها جایز نیست، حتی اگر این افراد رضایت ضمنی به نقض حریم خصوصی خود داشته باشند (انصاری، ۱۳۹۲: ۱۴۲ به بعد).

به نظر می‌رسد صرف اینکه افراد مشهور را الگوهای جامعه بدانیم، نظیر یک بازیکن فوتبال یا یک ستاره فیلم یا هر شخصی که به صورت یک الگو در هر معنا که باشد، به عموم مردم حق دانستن همه چیز را درباره این مشاهیر نمی‌دهد تا با این کار آن‌ها را وادار کند حریم خصوصی خود را در قربانگاه بیهوده کنجکاوی دیگران قربانی کنند (جعفری و نادری فارسانی، ۱۳۹۶: ۴۹). به عبارت دیگر، صرف الگو بودن مجوزی برای نقض همه جنبه‌های خصوصی زندگی افراد مشهور نیست.

۳-۱-۵. نقد دورویی (افشای ریاکاری‌های عمومی)

در واقع رسانه‌ها حق دارند در مورد افرادی که چهره واقعی‌شان در تضاد با واقعیت درونی‌شان است، قلم‌فرسایی کنند و این‌گونه اخبار را پوشش دهند، چراکه مردم حق دارند در مورد افرادی که تظاهر به خوب بودن دارند، ولی در واقع انسان‌های شریفی نیستند، بدانند. برخی این مطلب را در قالب نظریه ریاکاری بیان کرده‌اند. بر مبنای این نظریه افراد معروفی که در اعمال یا گفتار خود به جامعه دروغ می‌گویند یا با شیوه فریبکارانه حقایق مربوط به خود را از قلم می‌اندازند، پس از برملا شدن حقیقت، حق اعتراض و شکایت ندارند. بنابراین انتشار حقایق ولو مربوط به حریم خصوصی افراد باشد، در شرایطی مجاز شمرده می‌شود، زیرا همان‌طور که گفته شد، عدم افشای اطلاعات و سانسور آن‌ها در مورد افرادی که در جامعه نقش مهمی بازی می‌کنند، پیامدهای سهمگینی در پی خواهد داشت (Chon Almager, 2003: 6).

۳-۲. نظریه برابری افراد مشهور در برخورداری از حریم خصوصی و ادله آن

به موجب نظریه برابری افراد مشهور با دیگران در برخورداری از حریم خصوصی، اصل آن است که افراد جامعه در یک سطح از حریم خصوصی قرار دارند و صرف اینکه افرادی دارای شهرت یا برای دیگران الگو باشند، ناقض حریم خصوصی آن‌ها نیست. حتی در مواردی که افراد مشهور با انجام اقداماتی حریم خصوص خود را نقض می‌کنند، بدان معنا نیست که دیگران حق ورود به سایر حوزه‌ها و اطلاعات آنان را داشته باشند. براساس این دیدگاه، اگر مشاهیر در موقعیتی قرار داشته باشند که انتظار معقول و متعارف حریم خصوصی خود را داشته باشند، مشابه سایرین، باید حریم خصوصی آنان نیز محترم شمرده شود و توجیهاتی مانند اعراض از حق حریم خصوصی و سایر موارد پیش‌گفته مسموع نخواهد بود.

بنابراین زمانی که فرد مشهور «انتظار معقول و متعارف» از حریم خصوصی در برابر دسترسی و نظارت دیگران دارد، باید مورد حمایت قرار گیرد. «انتظار معقول و متعارف» از حریم خصوصی در مؤلفه‌هایی از جمله مکان مورد نظارت، موضوع نظارت، شیوه استفاده از

اطلاعات شخصی، وسایل نظارت، رضایت شخص موضوع حریم خصوصی و طبیعت رابطه میان طرفین، قابل شناسایی است. شایسته است موارد یادشده، به اختصار بررسی شود.

۱. ضابطه مکانی (مکان مورد نظارت)؛ یکی از مواردی که انتظار معقول و متعارف حریم خصوصی در آن می‌رود، مکانی است که فرد مشهور در آن قرار دارد؛ با این توضیح که اگر مکان مورد نظارت، منزل یا اماکن خصوصی باشد، حق فرد نسبت به آسوده بودن از نظارت و دخالت دیگران، بالاترین سطح حمایت را به خود اختصاص می‌دهد. در متون فقهی و تفسیری هم براساس نصوص شرعی به این مطلب تصریح شده است (سیوطی، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ۹۲؛ دهموش عاملی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۱؛ طبرسی ۱۳۷۲، ج ۷: ۲۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۴: ۴۲۷)؛ بنابراین، ورود به این مکان با این توجیه که افراد مشهور فاقد حریم خصوصی‌اند، قابل قبول نیست.

اما سؤال اساسی آن است که آیا انتظار معقول اشخاص به حریم خصوصی به هنگامی که در یک مکان عمومی حضور دارند، محدود می‌شود؟ برای مثال، عکس‌های گرفته‌شده از افراد مشهور و خانواده آن‌ها در مکان‌های عمومی نیز نقض حریم خصوصی است؟

افراد مشهور و فرزندانشان ممکن است در مکان‌های عمومی در معرض دید رسانه‌ها قرار گیرند و از آن‌ها عکس‌هایی گرفته شود؛ عکس‌هایی که در آن، هیچ اراده و اختیاری وجود ندارد. این عکس‌ها ممکن است در خیابان، در حال خرید، در مدرسه یا در راه برگشت به منزل گرفته شود. در ایالات متحده، این موارد غیرقانونی نیست، زیرا حق انتشار و آزادی بیان رتبه‌های بالاتر و قوی‌تری از حریم خصوصی دارد، ضمن اینکه افراد، داوطلبانه در مکان‌های عمومی حضور می‌یابند و در دسترس رسانه‌ها قرار می‌گیرند، لکن برخی معتقدند که منطقی و استدلال اصلی برای نقض حریم خصوصی در مکان‌های عمومی می‌تواند محکوم به شکست شود، چراکه ظاهر داوطلبانه اشخاص، الزاماً به معنای رضایت داوطلبانه برای عکس گرفتن و نقض حریم خصوصی نیست (McClurg 1995: 73). این مطلب در مورد فرزندان افراد مشهور صادق‌تر است. زمانی که بچه‌ها در یک مکان عمومی با والدین خود بیرون می‌روند، هرچند ممکن است آگاه باشند که در معرض دید عموم قرار دارند، اما این آگاهی، الزاماً به معنای رضایتشان مبنی بر عکس گرفتن از آن‌ها نیست. از سوی دیگر، این احتمال وجود دارد که عکس‌های بچه‌های سلبریتی، چاپ دیجیتالی شده و بدون اراده کودکان منتشر شود یا از آن استفاده یا حتی سوءاستفاده شود. از این رو در رأی یکی از دادگاه‌های پاریس آمده است که «عکس گرفتن در یک مکان عمومی به معنای نادیده گرفتن حق شخص برای حمایت از تصویرش نیست»، زیرا اشخاص در آن زمان هیچ کنترل و

نظارتی بر عکس خود ندارند. دادگاه‌های فرانسه شرط دیگری را نیز اضافه کرده‌اند و آن عدم تمرکز عکس بر روی افراد است. ضمن اینکه دادگاه استیناف در لندن در رأیی بیان داشته است که بچه‌های افراد مشهور، باید توقع همان حریم خصوصی را داشته باشند که بچه‌های افراد عادی دارند (Murray, 2008: 446).

هرچند این مطلب صحیح است که اشخاص حاضر شده در مکان‌های عمومی، باید بپذیرند که تابع و تسلیم حوادث و اتفاقات عادی و طبیعی زندگی اجتماعی روزمره باشند و از این‌روست که اخذ تصاویر اتفاقی در یک مکان عمومی، عادتاً نباید نقض حریم خصوصی افراد به‌شمار آید که تصویرشان به‌طور اتفاقی و به‌دلیل حضور آنان در یک مکان خاص گرفته شده است. لکن کم کردن انتظار حریم خصوصی در این اماکن به‌منزله انکار حق برخورداری از حمایت‌های متناسب در قبال سو استفاده از کنترل‌های آشکار خیابانی نیست. علاوه بر این، تصمیم‌گیری در این باره که آیا شکار تصویر یک فرد خاص در یک مکان عمومی خواه به‌طور اتفاقی و خواه به‌خواست او، به‌ویژه اگر قصد انتشار آن تصویر در میان باشد، نقض حریم خصوصی به‌شمار می‌آید یا نه کاملاً تابع اوضاع و احوال قضیه است. در هر حال تعقیب عمدی یک شخص از مکانی به مکان دیگر با این قصد که حرکات او ضبط شود، از باب ادله دیگری مثل حرمت ایداء نیز مجاز نیست.

۲. موضوع نظارت؛ زندگی عاطفی یا خصوصی در مقایسه با زندگی عادی و روزمره یکی دیگر از موارد انتظار معقول است که باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین ورود رسانه‌ها به زندگی خصوصی و عاطفی افراد مشهور، فاقد وجهت است؛ به این بیان که انتظار معقول و متعارف از حریم خصوصی افراد مشهور می‌طلبد که حتی اگر نظارت در یک مکان عمومی صورت گیرد، به‌هنگامی که هدف آن جست‌وجو و شکار گوشه‌ها و زوایای خصوصی و عاطفی زندگی یا شخصیت اشخاص باشد و به‌ویژه شخصی که مورد تعرض نظارتی واقع شده است، در زمان نظارت، آسیب‌پذیر و ناتوان از دفاع باشد، نقض حریم خصوصی محسوب شود.

۳. شیوه استفاده از اطلاعات: انتشار عمدی یا سایر استفاده‌هایی که می‌تواند موجب صدمه و لطمه به اشخاص شود، در مقایسه با استفاده‌های بی‌ضرر متفاوت خواهد بود. انتظار معقول و متعارف از حریم خصوصی به‌ویژه جایی پدید می‌آید که این اطلاعات به قصد انتشار یا استفاده در زمینه‌ای که ممکن است برای اشخاص زیانبار باشد، از افراد تصویربرداری یا فیلم‌برداری شود (انصاری، ۱۳۸۳: ۲۰۴).

۴. وسایل نظارت؛ چشم غیرمسلح یا شنوایی طبیعی در مقایسه با فناوری‌های پیشرفته می‌تواند

در انتظار معقول از حریم خصوصی مؤثر باشد، بنابراین در صورت استفاده از برخی ابزار نظارتی پیشرفته انتظار معقول و متعارف نسبت به حریم خصوصی تشدید می‌شود. به دیگر سخن، استفاده از فناوری‌های ناقض حریم خصوصی می‌تواند فعالیت‌های نظارتی‌ای را که در غیر این صورت مجاز محسوب می‌شود، به‌ویژه در مکان‌های عمومی غیرمجاز سازد. این استفاده به‌خصوص اگر پنهانی و با استفاده از وسایل نظارتی دوربرد مانند لنزهای پرقدرت صورت گرفته باشد، به احتمال زیاد نقض حریم خصوصی به‌شمار خواهد رفت. همچنین استفاده از تجهیزات سمعی و ویدئویی برای مقاصد لب‌خوانی و تجسس در مکالمات مردم، چه در اماکن خصوصی چه در اماکن عمومی، نقض فاحش انتظار معقول و متعارف از حریم خصوصی به‌شمار می‌رود.

۵. رضایت: هر نوع فعل قبلی توسط شخصی که مورد نظارت واقع شده، می‌تواند بر قصد وی به برخورداری از حمایت‌های حق حریم خصوصی یا عدول جزئی از حق حریم خصوصی، دلالت کند؛ بنابراین، اشخاصی که از روی آگاهی و به عمد به انتشار جنبه‌های خصوصی زندگی خود اقدام می‌کنند، برای مثال جزییات بسیار خصوصی رفتار و روابطشان را به رسانه‌ها اطلاع می‌دهند، نمی‌توانند انتظار داشته باشند که حریم خصوصی آن‌ها در فعالیت‌های رسانه‌ای مصون بماند. در حقیقت، آنان با رفتار خود انتظار کاهش‌یافته از حریم خصوصی ایجاد می‌کنند. البته چنین افرادی با انجام آن افعال کاملاً از حق خود نسبت به حریم خصوصی صرف‌نظر نمی‌کنند و به دیگران برای ورود بدون اجازه به تمامی مسائل زندگی خود چراغ سبز نشان نمی‌دهند. برای نمونه زمانی که فرد مشهوری، اقدام به انتشار عکس‌های شخصی و خانوادگی خود در فضای مجازی به‌خصوص اینستاگرام می‌کند، در واقع به‌صورت جزئی از حق حریم خصوصی خود عدول کرده است. بنابراین اقدام او به انتشار این‌گونه وقایع خصوصی به‌نوعی رضایت او به نقض حریم خصوصی قلمداد می‌شود.

۶. طبیعت رابطه و اطراف آن؛ انتظار معقول و متعارف از حریم خصوصی ممکن است برحسب طبیعت رابطه میان طرفین متغیر باشد، زیرا عملی که به‌طور قطع در روابط بین بیگانه‌ها نقض حریم خصوصی به‌شمار می‌رود، ممکن است میان اعضای یک خانواده این‌چنین نباشد. بنابراین رابطه می‌تواند سطح انتظار معقول و متعارف حریم خصوصی را تحت تأثیر قرار دهد. با این حال رگه‌ای از حریم خصوصی بین صمیمی‌ترین روابط نیز وجود دارد (انصاری، ۱۳۸۳: ۲۰۳).

حال با توجه به ادله موافقان و مخالفان می‌توان در یک تقسیم‌بندی افراد مشهور را در دو طبقه افراد مشهور سیاسی و افراد مشهور غیرسیاسی قرار داد. افراد مشهور سیاسی مانند سیاست‌مندان

و مدیران ارشد کشور که نقش اساسی در روند جامعه دارند و افراد مشهور غیرسیاسی شامل هنرمندان، بازیگران، ورزشکاران و

۴. حریم خصوصی افراد سیاسی مشهور

افراد سیاسی، یا در اداره امور کشور مسئولیت‌های ویژه و پست‌های کلیدی دارند یا افکارشان در جهت‌گیری حرکت کشور دارای اهمیت است. به دیگر سخن، این افراد از چنان وظایف و اختیارات اساسی برخوردارند که نقش بسیار مهمی در اداره مسائل عمومی یا اداره حوادث مملکتی دارند و اعمال، رفتار و افکار آن‌ها مستقیماً با منافع عمومی در ارتباط است. یا در دید عموم، واجد چنین نقش حساسی به‌شمار می‌آیند.

به‌نظر می‌رسد که حریم خصوصی این افراد در مقایسه با شهروندان عادی محدود است، زیرا سلامت نظام سیاسی اقتضا می‌کند که قلمرو حریم خصوصی مسئولان سیاسی و اجرایی، نسبت به اشخاص عادی بسیار محدودتر باشد. به‌گونه‌ای که شاید بتوان گفت در زمینه اطلاعات، حریم بسیار محدودی برای آن‌ها وجود دارد، زیرا منفعت عموم جامعه اقتضا دارد مردم اطلاعات لازم را در مورد چهره‌هایی که در سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور تأثیرگذارند، بدانند (انصاری، ۱۳۹۲: ۱۳۹).

به دیگر سخن افرادی که خود را آگاهانه برای تصدی سمتی عمومی نامزد می‌کنند و در مبارزه یا رقابتی انتخاباتی وارد می‌شوند تا آرای رأی‌دهندگان را به‌دست آورند، ناگزیر قلمرو قبلی حریم خصوصی خود را از دست می‌دهند و بسیاری از مسائلی که در گذشته برای آن‌ها خصوصی تلقی می‌شد، ممکن است دیگر خصوصی محسوب نشود. لازمه برنده شدن در رقابت‌های انتخاباتی سالم آن است که صلاحیت‌های لازم در مورد نامزد انتخاباتی وجود داشته باشد و رأی‌دهندگان از این صلاحیت‌ها آگاه باشند. بنابراین شخصی که خود را نامزد انتخابات قرار می‌دهد، به‌طور ضمنی از حریم خصوصی خود عدول می‌کند و به رأی‌دهندگان اجازه می‌دهد در مورد زوایای مختلف زندگی وی تحقیق کنند تا مطمئن شوند وی صلاحیت لازم برای تصدی آن سمت عمومی موردنظر را دارد. به همین دلیل برخی نویسندگان معتقدند که می‌توان خصوصیات شخصی افرادی را که داوطلبانه درصدد به دست آوردن یک پست عمومی یا تصدی اداره امور عمومی هستند با تحلیل‌ها و تفسیرهای رسانه‌ای منصفانه مورد بررسی قرار داد، ولی تا آنجا که هدف از تفسیر و تحلیل روشن ساختن صلاحیت و شایستگی آن فرد جهت احراز آن سمت یا انجام دادن وظایفی باشد که می‌خواهد به عهده بگیرد. بنابراین مردم آزاد نیستند تا درباره تمام ویژگی‌ها و خصوصیات فردی و خانوادگی افراد سیاسی گفت‌وگو کنند، بلکه مردم حق دارند اطلاعاتی را که در رابطه و مرتبط با منصب شخص

سیاسی است، بدانند. از این رو اطلاعاتی در مورد تمایلات یا روابط جنسی فرد سیاسی که اغلب به توانایی وی در حفظ یک منصب عمومی هیچ ربطی ندارد، جزو حریم خصوصی اوست و دیگران حق دخالت در این امور و حق دانستن در مورد آن را ندارند. از این رو طبق این دیدگاه، بحث درباره جنبه‌های زندگی خصوصی یک سیاست‌مدار که به کار و منصب او هیچ ارتباطی ندارد، از بحث آزادی بیان خارج است. در این صورت، باید از حق نامزد یا رجل سیاسی برای نگه‌داشتن جنبه‌هایی از محرمانه‌ترین مسائل زندگی‌اش از افشای عمومی و بحث‌های متعاقب آن حمایت شود. در غیر این صورت، حق او برای حریم خصوصی به‌طور کامل از بین خواهد رفت. به‌طور قطع این استدلال که سیاست‌مداران و دیگر چهره‌های سیاسی هنگام پا گذاشتن به عرصه سیاسی، حقوق حریم خصوصی خود را تسلیم و از آن صرف‌نظر می‌کنند، خیالی بیش نیست و هیچ قرینه‌ای مبنی بر اینکه آنان داوطلبانه به چنین اقدامی دست زده باشند وجود ندارد (جعفری و نادری فارسانی، ۱۳۹۶: ۴۳).

نکته دیگر در مورد برخی از مقامات و شخصیت‌های دولتی است که بدون ورود در مبارزات انتخاباتی و گاهی به رغم میل خود برای تصدی سمت عمومی منصوب می‌شوند، با توجه به اینکه فرض عدول ضمنی از حریم خصوصی در مورد این افراد صدق نمی‌کند، قلمرو حریم خصوصی اینان در مقایسه با مقامات و شخصیت‌های دولتی داوطلب گسترده است و در مقایسه با حریم خصوصی شهروندان عادی محدود، زیرا شخصی که تصدی یک امر عمومی را عهده‌دار می‌شود، حتی اگر غیرداوطلبانه به این امر مبادرت کند، باید بداند که تصدی امور عمومی جامعه با پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری همراه است و برای مردم تفاوتی نمی‌کند که تصدی فلان امر عمومی را یک مقام انتخابی بر عهده دارد یا یک مقام انتصابی. چنانچه امر عمومی خوب اداره نشود، مردم حق دارند در مورد صلاحیت و توانایی‌های متصدی آن حساس شوند و چه‌بسا این حساسیت به ورود آنها به حریم خصوصی وی بینجامد. از این روست که قانون‌گذار ما قوانینی را تصویب کرده که هرچند نسبت به افراد عادی جزو حریم خصوصی است، لکن درباره سیاسیون نه‌تنها مصداق حریم خصوصی غیرقابل انتشار، محسوب نمی‌شود، بلکه سیاسیون موظف به ارائه این‌گونه اطلاعات به آحاد مردم هستند. از جمله آن میزان دارایی و چگونگی تحصیل اموال است که از جمله مسائل بسیار محرمانه و شخصی است، ولی در مورد مسئولان سیاسی نه‌تنها محرمانه نیست، بلکه به‌عنوان وظیفه‌ای قانونی مکلف به اعلام آنها هستند. براساس اصل ۱۴۲ قانون اساسی «دارایی رهبر، رئیس‌جمهور وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت توسط رئیس قوه قضاییه رسیدگی می‌شود که خلاف حق افزایش نیافته باشد». همچنین براساس «قانون مربوط به

رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشکری و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها» مصوب ۱۳۷۷ کلیه کارمندان مکلف به اعلام دارایی خود هستند (محسنی، ۱۳۹۴: ۱۴۷).

با تمام مطالب پیش‌گفته به نظر می‌رسد آنچه به رسانه‌ها اجازه ورود به حریم خصوصی سیاست‌مداران را خواهد داد، منفعتی است که جامعه از دانستن این‌گونه اطلاعات کسب خواهد کرد. از این‌رو رسانه‌های گروهی حق دارند تا مسائل غیراخلاقی یک وزیر را گزارش دهند و حق حریم خصوصی او را نادیده بگیرند. بنابراین می‌توان گفت هرچه تأثیر فرد مشهور در منفعت عمومی جامعه بیشتر باشد، حریم خصوصی او کمتر خواهد بود. برای نمونه حریم خصوصی یک وزیر به مراتب کمتر از حریم خصوصی یک شهردار یا دهمدار خواهد بود، چراکه تأثیرگذاری وزیر در تصمیم‌گیری‌های دخیل در منفعت عمومی جامعه، به مراتب از یک شهردار یا دهمدار بیشتر خواهد بود.

۵. حریم خصوصی افراد مشهور غیرسیاسی

دانستن اطلاعات از زندگی بازیگران سینما، هنرمندان و ورزشکاران، از مواردی است که مردم در مورد آنها شور و اشتیاق خاصی دارند. رسانه‌ها نیز از این ظرفیت استفاده می‌کنند و به دنبال انتشار این‌گونه اطلاعات ولو به هر طریق ممکن هستند. به علاوه گاهی خود چهره‌های مشهور یا سلبریتی‌ها به این فضا دامن می‌زنند و با انتشار تصاویر خصوصی، عکس‌های خانوادگی و به‌طور کلی اطلاعات شخصی در فضاهای مجازی از جمله اینستاگرام، تلگرام و فیس‌بوک در راستای کسب شهرت و بعضاً ثروت بیشتر قدم برمی‌دارند. در این مورد سؤال اساسی این است که آیا این افراد مشهور غیرسیاسی مانند سایر شهروندان و در تراز آنها دارای حریم خصوصی‌اند یا به مانند سیاسیون حریم خصوصی‌شان از سایر افراد جامعه کمتر است.

بی‌شک هر فردی در جامعه از حق حریم خصوصی برخوردار است. در مورد افراد مشهور سیاسی بیان شد که آنها از درجه کمتر حریم خصوصی نسبت به افراد عادی برخوردارند و زمانی که منفعت عمومی اقتضا کند، اطلاعات خصوصی آنها نه تنها نباید محفوظ بماند، بلکه باید افشا شود. اما در مورد افراد مشهور غیرسیاسی باید دید که افشای اطلاعات این‌گونه افراد برای جامعه چه منفعت مشروعی دارد که در این صورت نقض اطلاعات آنها بتواند بلامانع قلمداد شود.

در خصوص نقض حریم خصوصی افراد مشهور غیرسیاسی باید به دو نکته توجه کرد؛ نخست، اینکه این‌گونه افراد به‌عنوان الگوهایی افراد جامعه شناخته می‌شوند و دوم اینکه، در

برخی موارد، اقدامات خود آن‌ها در راستای نقض حریم خصوصی‌شان است، چراکه گاهی بسیاری از اطلاعات و مسائل مربوط به این‌گونه افراد، به واسطه خود آن‌ها در دسترس دیگران قرار می‌گیرد.

آنچه برای افشای اطلاعات دیگران می‌تواند معیار تلقی شود، منفعت عمومی است. براساس این معیار حریم خصوصی افراد می‌تواند قربانی منافع عمومی جامعه شود. بر این اساس اگر منفعت عمومی اقتضا کند، افشای اطلاعات شخصی افراد بلامانع خواهد بود. بر این اساس در انگلستان، رفتارهای فوتبالیست‌های لیگ برتر دارای جنبه منافع عمومی تلقی شده است (جعفری و نادری فارسانی، ۱۳۹۶: ۳۵)، زیرا فوتبالیست‌ها مدل و الگویی الهام‌بخش برای جوانان و نوجوانان هستند. بنابراین افشای اطلاعات آن‌ها برای جامعه مفید است و از این حیث نقض حریم خصوصی به‌شمار نمی‌آید، لکن به‌نظر می‌رسد پذیرش افرادی مانند یک بازیکن فوتبال یا یک ستاره فیلم به‌عنوان الگو به‌عموم، حق دانستن درباره این فرد مشهور را به دیگران نمی‌دهد تا با این کار آن‌ها وارد حریم خصوصی او شوند و حریم خصوصی او قربانی کنجکاوی‌های بیهوده گردد (جعفری و نادری فارسانی، ۱۳۹۶: ۴۹). به‌عبارت دیگر، صرف الگو بودن نمی‌تواند دارای آنچنان منفعت مشروعی برای عموم جامعه باشد که اطلاعات شخصی و حریم خصوصی فرد مشهور را نقض کند.

از سوی دیگر بسیاری از چهره‌های مشهور با قرار دادن خود در معرض دید عموم، در راستای کسب منفعت و موقعیت بیشتر و بهتر حریم خصوصی خود را در معرض نقض قرار می‌دهند. آیا در این فضا همچنان باید قائل به حریم خصوصی برای آن‌ها بود؟ برای نمونه بیشتر ورزشکاران یا هنرمندان عکس‌هایی از مسائل شخصی خود مانند ازدواج، به‌دنیا آمدن فرزند یا جشن‌های خانوادگی خود را در فضای مجازی با دیگران به اشتراک می‌گذارند. آیا می‌توان برای آن‌ها در این مسائل قائل به حریم خصوصی شد؟ به‌نظر می‌رسد در این موارد با توجه به قاعده اقدام و عمومی شدن اطلاعات شخص موضوع حریم خصوصی، نمی‌توان برای این‌گونه افراد قائل به حریم خصوصی شد، زیرا آن‌ها با رضایت خود حریم خصوصی خود را نقض کرده و به دیگران اجازه ورود به مسائل خصوصی خود را داده‌اند. البته این بدان‌معنا نیست که در تمامی موارد و به این بهانه که آن‌ها حریم خصوصی خود را نقض شده دانسته‌اند، هر نوع کنجکاوی بیهوده در مورد آن‌ها و خانواده‌شان انجام گیرد. لکن در مورد عکس‌هایی که منتشر کرده‌اند، نباید خودشان انتظار حریم خصوصی داشته باشند؛ بنابراین هر نوع گفتار یا رفتاری از جانب دارنده حریم خصوصی که به‌طور صریح یا ضمنی نشان دهد که وی از حریم خصوصی خود به‌طور کلی یا جزئی عدول کرده است، متناسب با آن عدول، وی از حمایت‌های حریم

خصوصی کلاً یا جزئاً محروم می‌شود (انصاری، ۱۳۹۲: ۱۴۵). دادگاه‌های اروپا در واقع بر این عقیده‌اند که حریم خصوصی یک چهره مشهور زمانی نقض می‌شود که عکس او بدون رضایت او چاپ شود (جعفری و نادری فارسانی، ۱۳۹۶: ۴۷). بنابراین اگر رضایت، چه صریح چه ضمنی در بین باشد، نقض حریم خصوصی مفهومی ندارد. البته باید توجه داشت که در حقوق ایران، اعلام رضایت در امور عفاف، هیچ مجوزی برای نقض حریم خصوصی و نشر داده‌های مرتبط با آن ایجاد نمی‌کند.

۶. حریم خصوصی فرزندان افراد مشهور

صرف نظر از موقعیت، ثروت و شهرت والدین، آنچه در درجه اول برای فرزندان مهم می‌باشد، منافع آنان است. ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک بیان می‌دارد: «در امور خصوصی، خانوادگی یا مکاتبات هیچ کودکی نمی‌توان خودسرانه یا غیرقانونی دخالت کرد یا هتک حرمت شود». بنابراین رسانه‌ها به سختی می‌توانند از ورود به حریم خصوصی فرزندان و دخالت در آن معاف شوند، حتی در مواردی که موضوع مربوط به مسائل مشروع باشد. برای نمونه زمانی که نوجوانی (فرزند) درگیر پروسه قضایی شود، مانند وقتی که به‌عنوان طرف دعوا یا شاهد یا مطلع به دادگاه احضار می‌شود، هرچند حضور در دادگاه امری مشروع و قانونی است، لکن نگرانی در مورد آن‌ها دوچندان می‌شود. بنابراین باید تدابیری اتخاذ شود که بچه‌های افراد مشهور حتی در این موقعیت مشروع نیز تحت حمایت حداکثری قرار گیرند و از گزند رسانه‌ها و تبلیغات آنان در امان باشند، زیرا آنان به اندازه‌ای به رشد و بلوغ نرسیده‌اند و رسانه‌ای شدن می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری برای آنان داشته باشد، چراکه ممکن است از سوی گروه همسالان خود تحقیر شوند یا در معرض خجالت قرار گیرند. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که حریم خصوصی کودکان نیز مطلق نیست و در صورت تعارض حریم خصوصی آنان با منافع عمومی، منافع عمومی مقدم خواهد بود. از سوی دیگر، باید به مطلب نیز اذعان داشت که هرگونه استدلال در حمایت از حریم خصوصی فرزندان افراد مشهور در ارتباط با رسانه‌ها در عمل بی‌فایده یا کم‌فایده خواهد بود و این غول‌های رسانه‌ای بدون توجه به حریم خصوصی کودکان مشهور صرفاً درصدد کسب منفعت هستند، لکن این بدان‌معنا نیست در این زمینه قلم‌فرسایی نشود.

۱-۶. حریم خصوصی فرزندان سیاسیون

آنچه در وهله اول باید مدنظر قرار گیرد، آن است که آیا زندگی فرزندان سیاسیون و به‌طور کلی خانواده یک فرد سیاسی از منصب پدرشان یا همسرش بیگانه است یا بین زندگی

اعضای خانواده و منصب سیاسی پدر پیوندی وجود دارد. به طور قطع، زمانی که زندگی همسر و فرزندان یک مقام دولتی یا سیاسی از منصب همسرش و پدرشان کاملاً بیگانه باشد و خانواده درگیر مسائل سیاسی نباشد، باید از حریم خصوصی آنان به شدت محافظت شود و اجازه ورود رسانه‌ها را به حریم خصوصی آنان نداد.

در این خصوص در یکی از آرای صادره از دادگاه‌های ایالات متحده، دادگاه با این استدلال که زندگی خانواده رجل سیاسی (وزیر سابق بهداشت ایالات متحده) هیچ ارتباطی با حیطة کاری پدرشان نداشته و گزارش‌ها و مطالب ارائه شده نیز به حوزه کاری پدر خانواده مربوط نمی‌شد، حریم خصوصی خانواده (فرزندان و همسر وزیر) مورد حمایت جدی واقع شد (chou hong).⁶ 2015. البته باید توجه داشت اگر کودکان سیاستمداران در شرایطی قرار گیرند که رفتار یا اعمال آن‌ها در تعارض با منافع عمومی باشد، رسانه‌ها حق افشای آن را دارند و تمسک به حریم خصوصی خالی از وجه است. برای مثال دختر رودولف جولیبانی شهردار اسبق نیویورک برای سرقت از یک فروشگاه آرایشی دستگیر شد^۱ یا دختران دوقلوی رئیس جمهور جرج دوبلیو بوش جنا^۲ و باربارا^۳ در سال ۲۰۰۱ به جرائم الککل توسط دادگاه نوجوانان محکوم شدند^۴. همچنین دستگیری پسر ۱۶ ساله تونی بلر^۵ یا افشای رانت خواری فرزند یک سیاستمدار می‌تواند از این مقوله باشد.

۶-۲. حریم خصوصی فرزندان افراد مشهور غیرسیاسی

اعضای خانواده‌های افراد مشهور غیرسیاسی مانند بازیگران، هنرمندان، ورزشکاران و ... موضوع جالبی برای رسانه‌ها، تبلیغات و شایعات فضای رسانه‌ای است، اگرچه آن‌ها به معنای واقعی سلبریتی نیستند، لکن به سبب روابط و نسبتی که با افراد مشهور دارند، آن‌ها نیز ارزش خبری دارند و برای رسانه‌ها جذاب‌اند. این توجه بیش از حد رسانه‌ها به خانواده‌های افراد مشهور می‌تواند موجب نگرانی‌های عمومی شود.^۶ تا جایی که ترس از ورود ناخواسته و بدون مجوز رسانه‌ها و جستجوهای ناخواسته آن‌ها به خانواده افراد مشهور سبب شده که برخی افراد مشهور عکس‌های فرزندان خود را افشا کرده و از حقوق خود صرف نظر کنند. برای نمونه کورتنی کوک و دیوید آرکویت^۷ عکس‌هایی از دختر تازه متولدشده خود را منتشر کردند تا از گزند و دخالت عکاسان و مطبوعات در امان باشند.

مشکل دیگر در مورد نقض حریم خصوصی کودکان افراد مشهور غیرسیاسی مسئله‌ای است که از آن به ویژگی «خود تبلیغاتی» یاد می‌شود؛ با این بیان که در برخی موارد، سلبریتی‌ها برای به دست آوردن منفعت بیشتر به طور داوطلبانه فرزندان خود را در معرض دید عموم قرار می‌دهند، زیرا آشنایی کودکان با رسانه‌ها، ناگزیر والدین آن‌ها را ارتقا می‌دهد. در این موارد

دست رسانه‌ها برای استفاده یا سوءاستفاده از فرزندان افراد مشهور یا تصاویر آن‌ها باز است، زیرا این اجازه از سوی والدین آن‌ها به‌طور ضمنی داده شده است. برای نمونه زمانی که فرد مشهوری برای دریافت جایزه‌ای به روی سن می‌رود، ممکن است فرزند خود را نیز به‌همراه خود ببرد، درحالی‌که هزاران عکاس در حال عکس گرفتن از فرزندان آن‌ها هستند. تجزیه و تحلیل محتویات مجلات مشهور نشان می‌دهد که بیش از نیمی (۵۶ درصد) از عکس‌های فرزندان مشهور با دقت تهیه می‌شود. البته برخی کودکان نیز بدون توجه و تکیه بر شهرت والدینشان توجه عموم را به خود جلب می‌کنند. برای مثال کودکانی که به دلیل ویژگی خاص مانند چهره یا صدای خاص مورد توجه رسانه‌ها قرار می‌گیرند و در رسانه حضور پیدا می‌کنند. در این موارد است که حق حفاظت از حریم خصوصی کودکان می‌تواند نادیده گرفته شود. علاوه بر این، مشکل زمانی حادث‌تر خواهد شد که با توسعه شبکه‌های اجتماعی روبه‌رو شده و شاهد نمایش مشخصات و خصوصیات فردی افراد در شبکه‌هایی مانند فیس‌بوک، توئیتر و اینستاگرام هستیم. این شبکه‌های اجتماعی با ارائه خدمات اشتراک‌گذاری عکس‌ها، کاربران را قادر می‌سازند که تصاویر، به‌ویژه عکس‌های نوزادان و فرزندان خود را برای دوستان و آشنایان آپلود کنند. بسیاری از مادران با اشتراک‌گذاری عکس‌های فرزندان خود در فیس‌بوک درصدد القای حس مادری نمونه و خوب به دیگران هستند، در صورتی که این دسته از والدین، بی‌پروا کودکان خود را در معرض خطر نقض حریم خصوصی قرار می‌دهند.

مشاهیر نیز از این رویه مستثنا نیستند و از رسانه‌های اجتماعی برای ارسال عکس استفاده می‌کنند که با این کار زندگی شخصی خود و فرزندانشان را در معرض دید همگان قرار می‌دهند، از این‌روست که بچه‌ها و فرزندان افراد مشهور بازیچه دست رسانه‌ها می‌شوند. در گذشته یک عکاس یا روزنامه‌نگار برای دستیابی به عکسی از فرزند یا خانواده افراد مشهور با مشکلات عدیده‌ای مواجه بود، لکن امروزه آن‌ها قادرند با کلیک روی شبکه اجتماعی متعلق به فرد مشهور به آسانی به اهداف خود نائل آیند. مشکل دیگر اینکه با آمدن گوشی‌های هوشمند با دوربین‌ها و لنزهای قوی خیلی از افراد از مشاهیر یا فرزندان آن‌ها عکس می‌گیرند و سپس عکس آن‌ها را با اسامی افراد مشهور برچسب‌گذاری می‌کنند. از این‌روست که سوزان بارون معتقد است سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی یک منظره جهانی است که بالاترین سطح از نظارت را بر زندگی افراد مشهور دارد و حریم خصوصی آن‌ها را به شدت تهدید می‌کند.^۸

نتیجه‌گیری

از بین تمام معیارهای بیان‌شده در توجیه نقض حریم خصوصی افراد مشهور، آنچه مهم‌تر به‌نظر می‌رسد، منافع عمومی جامعه است تا جایی که حریم خصوصی افراد می‌تواند قربانی

منفعت عمومی شود. از این رو تمایل بیشتری برای محافظت از آزادی بیان و نقض حریم خصوصی، در پرونده‌های افراد مشهور سیاسی وجود دارد، زیرا آنان تأثیر بیشتری در جامعه دارند و اقدامات آنها مستقیم با منافع عمومی جامعه در ارتباط است. مؤلفه‌های دیگری مانند الگو بودن افراد مشهور، نقد دورویی افراد مشهور نیز به منافع عمومی بازگشت خواهد داشت.

در مورد فرزندان افراد مشهور نیز اگر آنان درگیر منصب والدین خود باشند، همانند والدینشان نمی‌توانند حریم خصوصی خود را سپر دفاعی در برابر اقدامات خود قرار دهند، چراکه منافع عمومی جامعه چنین اقتضایی دارد، لکن اگر فرزندان درگیر منصب والدین خود نبوده و زندگی آنان متفاوت از منصب و موقعیت والدین باشد، باید به شدت از حریم خصوصی آنان دفاع کرد. در مورد افراد مشهور غیرسیاسی نیز از آنجا که آنان به دلیل وابستگی شدیدشان به رسانه‌ها، به ندرت تقاضای حفظ حریم خصوصی کودکان خود را دارند. باید به شدت از حریم خصوصی فرزندانشان دفاع شود و اقدامات والدین نباید به نقض حریم خصوصی فرزندان بینجامد.

یادداشت‌ها

1. Larry Celona. "Rudy Giuliani's Daughter Arrested for shoplifting." "New York Post, 4 August 2010.
<http://nypost.com/2010/08/04/rudy-giulianis-daughter-arrested-for-shoplifting/>.
 این صفحه در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۹۸ قابل دسترس است.
2. Jena
3. Barbara
4. Tom Kenworthy. "Bush Daughters Cited in Texas." USA Today, 31 May 2001.
<http://usatody30.usatoday.com/news/Washington/2001-05-31-Bushdaughters.htm>
 این صفحه در تاریخ ۱ مرداد ۱۳۹۸ در دسترس می‌باشد.
5. "The Guardian, 6 July 2000.
[Hppt://www.theguardian.com/uk/2000/jul/06/2](http://www.theguardian.com/uk/2000/jul/06/2)
 این صفحه در تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۹۸ در دسترس است.
6. A. Scott Bert. Lindberg. New York: G.P. putnam's sons, 1998
7. Courteney Cox and David Arquette
8. Susan B. Barnes. "A Privacy Paradox: Social Networking in the Unites States."
 First Monday, 2006
<http://firstmonday.org/article/view/1394/1312-2>
 این صفحه در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۳۰ در دسترس است.

منابع

الف: فارسی و عربی

۱. اصلانی، حمیدرضا (۱۳۸۴)، *حقوق فناوری اطلاعات*، تهران: میزان، چ اول.
۲. انصاری، باقر (۱۳۹۲)، *حقوق رسانه*، تهران: سمت، چ چهارم.
۳. ----- (۱۳۸۳)، «حریم خصوصی در رسانه‌های همگانی»، *فصلنامه پژوهش و سنجش*، سال یازدهم، ش ۳۹ و ۴۰، صفحه ۱۹۳-۲۳۱.
۴. جعفری، علی و سیاوش نادری فارسانی (۱۳۹۶)، *ابعاد جدید حقوق حریم خصوصی*، *دیدگاه‌های بین‌المللی و تطبیقی*، قم: پژوهشکده باقرالعلوم، چ اول.
۵. دهموش عاملی، علی (۱۳۸۲)، *دائرةالمعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی*، ترجمه غلامحسین قاری مهیاری و رضا گرمابداری، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، ج ۱.
۶. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۴ق)، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قاهره: مرکز هجر للبحوث والدراسات العربیة والإسلامیة، ج ۲.
۷. طبرسی، فضل‌بن‌حسن (۱۳۷۲)، *مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن*، تهران: ناصرخسرو، ج ۷.
۸. محسنی، فرید (۱۳۹۴)، *حریم خصوصی اطلاعات؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران ایالات متحده آمریکا و فقه امامیه*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چ دوم.
۹. معین آبادی، رضا، (۱۳۸۳)، «رسانه‌ها و حریم خصوصی افراد»، *فصلنامه پژوهش و سنجش*، سال یازدهم، ش ۳۸، صفحه ۲۲۵-۲۹۳.
۱۰. مقامی، امیر و نادیا عطاران (۱۳۹۸)، «موازنه افشای حریم خصوصی خانوادگی چهره‌های مشهور در رسانه‌ها و آزادی بیان در رویه نهادهای قضایی» *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۹، ش ۲، صفحه ۳۱۱-۳۳۱.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶)، *برگزیده تفسیر نمونه*، تنظیم احمد علی بابایی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ج ۱۴.
- میرشکاری، عباس (۱۳۹۷)، «حق تصویر»، *فصلنامه حقوق خصوصی*، دوره ۱۵، ش ۱، صفحه ۱۷۴-۱۴۹.

ب: لاتین

1. Andrew Jay McClurg (1995), "Bring Privacy Law out of the closet: A tort theory of liability for intrusions in public places", *North Carolina Law Review* 73.

2. Callender Smith (2014), **Celebrity privacy and the development of the judicial concept of proportionality: How English law has balanced the rights to protection and interference**, Queen Mary University of London Center for Commercial Law Studies.
3. Choul Hong, Seong, (2016), 'Kids Sell: Celebrity Kids' Right to Privacy ' Department of journalism & Communication, Kyonggi University, seoul, 1-13'.
4. Helling. Anna e. (2005), Protection of "persona" in the eu and in the us: a comparative analysis, a thesis submitted to the graduate faculty of the university of Georgia, Athens., Georgia, 25-35.
5. Karakostas, (2000), personality and press, athens/ komotini. 3rd edn, p.58-70
6. Murray v. Express Newspaper Plc and Another, 2008 EWCA Civ 446
7. Pual Chadwick . (2005), Fame, media, privacy: two modest for a better balance.
8. Whittle, Stephen; Cooper, Glenda (2009), "Privacy, probity and public interest", **REUTERS Institute For the Study of journalism of the University of Oxford**.

ج: سایتها

1. <http://firstmonday.org/article/view/1394/1312-2>
2. <http://nypost.com/2010/08/04/rudy-giulianis-daughter-arrested-for-shoplifting/>.
3. <http://usatody30.usatoday.com/news/Washintion/2001-05-31-Bushdaughters.htm>
4. [hppt://www.theguardian.com/uk/2000/jul/06/2](http://www.theguardian.com/uk/2000/jul/06/2)